



۱۴

## آب‌تنی در حوضچه سلامت



۱۶

## موزه بابوی بنزین



۱۵

## پشت‌صحنه صفحه‌های جادویی



سه‌شنبه ۴ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۱۵



حق با  
شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۳۱۴۷



### #معلم-مطالبات

اسکندری ازابهرز

پرداخت نکردن حق و حقوق معلمان و اضافه کار آنان در ۱۰ ماه اخیر توسط آموزش و پرورش شهر ملارد، مشکلاتی را برای این اقشار زحمتکش به وجود آورده است.

### #جریمه \_ اشتباه

اخوان از تهران:

پیامکی از سوی پلیس راهور بابت تخطی از سرعت غیرمجاز برای اینجانب ارسال شد ولی مستندات نشان می‌دهد در آن تاریخ خودروی بنده در پارکینگ بوده و دوربین‌های مداربسته ساختمان گواه این موضوع است.

### #دارو-فشار

نعمتی‌پور از تهران:

بعضی از داروهای گران و کمیاب از لیست بیمه تأمین اجتماعی خارج شده و با این اتفاق هزینه‌های زیادی بر دوش خانواده‌های بیماران افتاده است.

### جوابیه

در پی درج پیامی در ۱۳ خرداد ۱۳۹۸ با عنوان «میوه فروش» روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۵ تهران با ارسال نمایی اعلام کرد: در راستای رفع سد معبر وانت‌بارها، طرح انضباط شهری از تاریخ ۱۸ خرداد امسال از سوی اداره خدمات شهری منطقه و با مشارکت نماینده دادستانی، پلیس راهور و نیروی انتظامی در محدوده منطقه و به ویژه نقاط آلوده نظیر خیابان ۱۷ شهریور و شهرزاد آغاز شده و طرح تا پاکسازی منطقه ادامه خواهد داشت. ماموران نواحی هفتگانه نیز از ساعت ۸ تا ۲۱ در محدوده به گشت زنی پرداخته و نسبت به رفع سد معبر اقدام می‌کنند.

در پی درج پیامی در ۲۰ خرداد ۱۳۹۸ با عنوان «ترافیک- وانت‌بار» روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۰ تهران با ارسال نمایی اعلام کرد: طی گشت‌های مستمر اکیپ‌های انضباط شهری این ناحیه از خیابان آزادیپاچان هیچ موردی دال بر استقرار یا وجود وانت‌بارهای دوره‌گرد مشاهده نشد. با این حال مقرر شد برای پیشگیری از ایجاد چنین فضاهایی نظارت دقیق‌تر کارشناسان مربوطه و گشت و کنترل مستمر اکیپ‌های انضباط شهری در سطح ناحیه به‌ویژه در نقاط پرتدد برای جلب رضایت حداکثری شهروندان محترم صورت پذیرد.

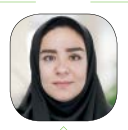


پای تجربه خانواده‌هایی که با بچه‌های کوچک‌شان به سفرهای سخت و پرماجرا می‌روند

## بزن بریم سفر



هیچ چیز آن قدر سخت نیست که ما سخت‌تورش می‌کنیم. سفرهای خاص و اردوهای جهادی و دل‌را به جاده زدن، دل‌پرچرات و صبر زیاد می‌خواهد؛ حالا اگر بچه‌های کوچک‌تان هم همسفر شما در این راه باشند، تردیدتان برای راهی شدن، کاملاً منطقی و قابل درک است. این‌طور که دیده‌ها و شنیده‌هایمان می‌گویند، سفر با بچه کوچک، شرایط خاصی می‌خواهد که آرامش پدر و مادر و بچه فراهم باشد اما ما مثال نقض‌های جالبی سراغ داریم. مستند کودکانه «دورت بگردم ایران»، درباره سفر دروزه دو خانواده بچه‌دار به بوشهر و حاشیه خلیج فارس و بندر سیراف بود که تجربه‌های ایرانگردی‌شان به تصویر کشیده و در عید نوروز پخش شد. همین موضوع و این سفر خاص، بهانه‌ای بود که با سارا عرفانی، مادر یکی از خانواده‌های این سفر دسته‌جمعی صحبت کنیم و از تجربه سفرهای ماجراجویانه‌شان همراه با دو دختر کوچک‌شان پرسیم؛ سفری که هرکسی با بچه یا بچه‌های کوچک، حاضر به تجربه‌اش نیست. البته این‌طور که معلوم است، خاطرات خوش در کنار همه اتفاقات خوب و بدش، همه آن چیزی است که خانواده خانم عرفانی و همسفرهایشان، تجربه‌اش کردند؛ تجربه‌ای که مرور خاطراتش هم لبخند به لبشان می‌آورد.



نگرس خاتمی‌زاده

جامعه

سارا عرفانی و همسرش، قبل از بچه‌دار شدن آدم‌های راحت سفری بوده‌اند؛ آنها عکسی از یک طبیعت دنج می‌دیدند و یک دفعه تصمیم به سفر می‌گرفتند؛ کوله‌شان را پر می‌کردند و همان‌روز یا نهایتاً فردای آن روز حرکت می‌کردند. برای همین، همان زمانی که به بچه‌دار شدن فکر کرده‌اند، به سفرهایشان هم فکر می‌کرده‌اند. او از تصویرایش قبل از بچه‌دار شدن درباره سفر رفتن با بچه کوچک برایشان گفت: «واقعاً فکر می‌کردیم چقدر می‌تواند برایشان سخت باشد. آن‌قدر از دور و اطرافمان تجربه‌های سخت و ناخوشایند شنیده بودیم که راستش را بخواهید کمی ترس برمان داشته بود. همه توصیه می‌کردند که تا بچه‌دار نشدید، سفرهایتان را بروید، خوشی‌هایتان را بکنید که بعد از آن دیگر نمی‌توانید. هرچقدر هم می‌خواستیم بی‌تفاوت باشیم و خودمان را به آن راه بزنیم که نه این‌طور نیست؛ باز هم نمی‌توانستیم. واقعیت این است که بعضی وقت‌ها این حرف‌ها برای زوج‌های جوان آنقدر زیاد می‌شود که ناخودآگاه روی آدم تأثیر می‌گذارد.»

سارا عرفانی و همسرش، قبل از بچه‌دار شدن آدم‌های راحت سفری بوده‌اند؛ آنها عکسی از یک طبیعت دنج می‌دیدند و یک دفعه تصمیم به سفر می‌گرفتند؛ کوله‌شان را پر می‌کردند و همان‌روز یا نهایتاً فردای آن روز حرکت می‌کردند. برای همین، همان زمانی که به بچه‌دار شدن فکر کرده‌اند، به سفرهایشان هم فکر می‌کرده‌اند. او از تصویرایش قبل از بچه‌دار شدن درباره سفر رفتن با بچه کوچک برایشان گفت: «واقعاً فکر می‌کردیم چقدر می‌تواند برایشان سخت باشد. آن‌قدر از دور و اطرافمان تجربه‌های سخت و ناخوشایند شنیده بودیم که راستش را بخواهید کمی ترس برمان داشته بود. همه توصیه می‌کردند که تا بچه‌دار نشدید، سفرهایتان را بروید، خوشی‌هایتان را بکنید که بعد از آن دیگر نمی‌توانید. هرچقدر هم می‌خواستیم بی‌تفاوت باشیم و خودمان را به آن راه بزنیم که نه این‌طور نیست؛ باز هم نمی‌توانستیم. واقعیت این است که بعضی وقت‌ها این حرف‌ها برای زوج‌های جوان آنقدر زیاد می‌شود که ناخودآگاه روی آدم تأثیر می‌گذارد.»

### همانی ماندیم که بودیم

وقتی به خانم عرفانی می‌گوییم این حرف‌ها روی آنها که خیلی سفر را آسان می‌گرفتند تأثیر داشته می‌گوید: «واقعاً همین‌طور بود؛ تا قبل از بچه‌دار شدن، ما خیلی یکدفعه‌ای تصمیم به سفر می‌گرفتیم، دو تا کوله‌مان را پر می‌کردیم و راه می‌افتادیم. اما وقتی می‌بینی یک نفر، دو نفر، سه نفر و جمع زیادی از آدم‌های دور و برت این حرف را می‌زنند، ناخودآگاه ذهنیت خراب می‌شود و فکر می‌کنی که نکند واقعاً این‌طور باشد؟» اما برای خانم عرفانی و همسرش این‌طور نبوده است: «وقتی در موقعیت قرار گرفتیم، سعی کردیم امتحان کنیم، همان روال سابق را ادامه بدهیم و سفرهایمان را راحت بگیریم و آن را از خودمان و از همه مهم‌تر از بچه‌هایمان دریغ نکنیم؛ ما این کار را کردیم و خدا را شکر نتیجه هم گرفتیم.»



پای تجربه خانواده‌هایی که با بچه‌های کوچک‌شان به سفرهای سخت و پرماجرا می‌روند



رقتیم. اولویت ما خوش گذشتن به بچه‌ها بود؛ این‌که به بچه‌ها اجازه بدهیم در سفر پرسشگر باشند، تجربه کنند و حواسشان به اطرافشان باشد. در کنار بچه‌ها، خانواده‌ها هم حریص آنها بودند و همراهی‌شان می‌کردند. جالبی ماجرا این بود که خودمان قدم در ماجراجویی‌هایی می‌گذاشتیم که تجربه‌های جدید و نابی را به دست آوریم.» البته ماجراجویی خانواده خانم عرفانی محدود به این سفر نبوده است؛ پیش از این سفر هم سعی می‌کردیم تا جایی که می‌توانیم این حس کنجکاوی و دیدن اتفاقات جدید را در سفر از دست ندهیم ولی این بار بیشتر از همیشه بود. پیش از این هم تجربه سفر به این شکل داشتیم؛ «چند سال پیش، ما همراه با بچه‌هایمان به اردوی جهادی اهواز و خوزستان رقتیم؛ سفری که می‌توانست در نوع خودش ادیت‌کننده باشد اما واقعاً این‌طور نبود. خیلی‌ها فکر می‌کنند سفر به اردوهای جهادی با بچه اصلاً ممکن نیست ولی من خانواده‌هایی را آنجا دیدم که نه تنها با وجود دو یا سه بچه، کاملاً همه چیز را مدیریت می‌کردند، بلکه همه برای مشکلاتشان به مادر آن خانواده مراجعه می‌کردند و او برایشان حل می‌کرد. شاید باورتان نشود که من فکر می‌کردم چه کار بزرگی می‌کنم که با دو بچه کوچک به این سفر می‌روم ولی وقتی به آنجا رقتیم، حرقم را پس گرفتیم.»

### سفر و تجربه

البته معلوم است که تعریف خوشگذرانی از نظر آدم‌های مختلف فرق می‌کند؛ «من و همسر هم راه با بچه‌هایمان خیلی سفر رفته ایم؛ سفرهایی که خیلی شرایط خاص و ویژه‌ای هم برای همسفرهای کوچکمان نداشت تا در ایده‌آل‌ترین شرایط باشند و به ما کاری نداشته باشند و ادیت نکنند و ادیت نشویم، اما با این اوصاف به همه‌مان خوش می‌گذشت. مثلاً به روستاهای دور اقوام می‌رفتیم. بچه‌ها فضای روستا را می‌دیدند، بازی می‌کردند، خاکی و کثیف می‌شدند و من از این‌که آنها چنین فضایی را تجربه می‌کردند، لذت می‌بردم؛ اصلاً هم غصه‌کنیفی و مریضی‌شان را نمی‌خورد؛ چون هرچه بیشتر حساسیت به خرج بدهیم، نتیجه برعکس می‌گیریم. اگر یک سفر این‌شکلی باشد، همان سفری است که ما درباره‌اش می‌گوییم که این سفر به ما خوش گذشت اما برای یک خانواده دیگر شاید این سفر اصلاً آن چیزی نباشد که دلشان می‌خواهد.»

### دو نفره‌هایتان را فراموش نکنید

یعنی هرکسی که فکر می‌کند سفر با بچه خیلی سخت و بدون بچه آرامش است، عذاب وجدان داشته باشد که پدر و مادر بدی است؛ خانم عرفانی با این‌که سفرهای متفاوت مثل جهادی، مستندسازی و سفر به

### بچه بیشتر، حساسیت کمتر

همسفر خانواده خانم عرفانی در این سفر، خانواده آقای صدوقی بوده‌اند. آنها با چهار بچه، دلشان را به دریا زده و همراه این سفر ده روزه متفاوت شده بودند؛ «همسفر ما نگاهش به سفر از ما قشنگ‌تر بود و سفر را از ما راحت‌تر گرفته بودند. اصلاً می‌دانید چیست؟ به نظر من برای یک بچه می‌شود سخت‌گرفت که دست نزن، مواظب باش، نخوری زمین، اما تعداد بچه‌ها که بیشتر می‌شود، دیگر چاره‌ای جز راحت‌گرفتن نداریم. همین می‌شود رمز موفقیت و خوشحالی‌تان در سفر؛ یعنی این سفر با همه ماجرایش، هیچ وقت به جایی نرسید که از رفتن پشیمان شده باشید؛ «اصلاً و ابداً! اتفاقاً بیشتر از همیشه به ما و مهم‌تر از همه به بچه‌ها خوش گذشت و تجربه‌های نابی به‌دست آوردیم که در سفرهای دیگر ممکن نبود؛ آن‌قدر که احساس می‌کنم از این‌به بعد حس ماجراجویی و کنجکاوی بیشتری داریم و هرچیز حسه‌ای می‌تواند خوشحالمان کند. اگر قرار به سختی و پشیمان شدن باشد، سفر جهادی، سفر سخت‌تری است که البته آن هم برایشان شیرین و البته‌گذرا بود.»

### کمی سخت و خیلی پرهیجان

خانم عرفانی از اتفاقات هیجان‌انگیز این سفرهای ظاهر سخت برایشان گفت: «می‌دانید؛ بچه‌ها خیلی راحت خوشحال می‌شوند و با اتفاقات ساده و خیلی کوچکی خوش می‌گذرانند. کاش این فرصت و لذت را برایشان فراهم کنیم و به بهانه‌های مختلف، این روزهای خوب را از بچه‌هایمان و البته از خودمان دریغ نکنیم. مثلاً در یکی از روزهای سفر، ماشین در شن گیر کرد. یک طرف ماجرا ما بودیم که تلاش می‌کردیم از شن خارج بشویم و طرف دیگر بچه‌هایمان بودند که شن بازی می‌کردند و برخلاف ظاهر قضیه، خیلی هم بهشان خوش گذشت. چیزی که اهمیت دارد این است که بدانیم قرار نیست همیشه در شن بمانیم و بالاخره از اینجا نجات پیدا می‌کنیم؛ ولی خاطره‌ای که از تلاش ما و بازی بچه‌ها آن روز ماند برای همه‌مان خاطره خوب و البته پرهیجانی بود.»

### سفر را

### تعریف کنید

محمد صدوقی پدریجانه، هادی، هانیه و حسنا من در بعد کلان به این ماجرا نگاه و فکر می‌کنم هر کاری که انجام می‌شود به هدف کسی که آن کار را انجام می‌دهد، برمی‌گردد. یک وقتی شما به سفری می‌روید و نیت می‌کنید در آن سفر به شما خوش بگذرد و آن خوش گذشتن یک معنای خاصی برای خودتان دارد. تعریف خوش گذراندن برای کسی ممکن است این باشد که تنهایی برود جایی، بگردد، بچرخد، بخوابد و آرامش داشته باشد. تعریف عده‌ای دیگر هم این است با خانواده برود و با بچه‌ها باشد و بچه‌ها خوش بگذرد و آنها با دنیا‌های جدید آشنا بشوند؛ برای همین اگر تعریف مشخصی از خوش گذشتن داشته باشیم، دیگر ماجرا خیلی برایشان سخت نمی‌شود. خب ما یکی از اهدافی که در زندگی شخصی بچه‌هایمان را به خوبی تربیت کنیم، موقعیت‌های خوبی را برایشان فراهم آوریم و بخشی از این هدف را در سفر کردن می‌بینیم. بالاخره هر هدفی سختی‌های خاص خودش را دارد که برای رسیدن به آن باید برایش تلاش و آنها را تحمل کنیم و آن قدر که می‌توانیم سختی‌ها را به خوشی تبدیل کنیم. در ضمن من یک اعتقاد شخصی دارم سفرهایی در ذهن ما می‌مانند که توام با کمی سختی هستند و همان‌ها خاطرات خوب ما را در آینده تشکیل می‌دهند. در مجموع ما چون هدفمان این است که به بچه‌ها خوش بگذرد و با علم به این‌که هر آینه ممکن است اتفاق یا مشکلی پیش بیاید، به سفر می‌رویم و آماده پذیرش سختی‌هایش هم هستیم و در عین حال به ما خیلی خوش می‌گذرد. خب طبیعتاً در سفر مشکلاتی ناگزیر وجود دارد که برای ما حرف در قیقا مثل این است که به یک کوهنورد بگویند این همه سختی می‌کنی که آخرش به قله برسی؟ خب نرو، چه کاری است؟ اما آن کوهنورد، سختی‌های راه را به خاطر هدف بزرگ‌تری قبول می‌کند. من واقعاً فکر می‌کنم بچه‌ها در سفر بزرگی می‌شوند، مخصوصاً وقتی چند خانواده باشند و از همدیگر یاد بگیرند. اتفاقات سفر، طولانی، سفر دور یا نزدیک و هر نوع دیگری که می‌تواند اتفاقات جدیدی را برای شما رقم بزند. من فکر می‌کنم هرکدام از این سفرها خاصیت‌هایی دارند که نمی‌شود یکی را حذف کرد؛ خوب است بچه‌ها همراه پدر و مادرشان همه نوع سفری را تجربه کنند.